

مذاکرات پوتین و ترامپ



جورج فریدمن

استراتژیست و نظریه‌پرداز

من معمولاً از شخصی‌سازی رویدادهای ژئوپلیتیکی اجتناب می‌کنم، زیرا ملت‌ها را عاملان تاریخ می‌دانم نه رهبران کشورها، اما اوقاتی وجود دارد که تمرکز باید روی رهبران باشد، به‌خصوص در جریان درگیری‌های بین‌المللی که در آن هیچ‌یک از طرفین نمی‌توانند ادعای پیروزی قطعی داشته باشند. مذاکرات برای پایان دادن به جنگ در اوکراین یکی از این اوقات است. از برخی جهات، این مذاکرات شبیه به توافق نامه‌های صلح پاریس است که به جنگ ویتنام پایان داد. ایالات متحده از نظر نظامی شکست نخورده بود، اما با عدم پیروزی در جنگ، عملاً شکست خورد. ویت‌کنگ‌ها با شکست نخوردن پیروز شدند. جنگی که در آن هیچ‌کس پیروز نباشد، دشوارترین نوع درگیری برای پایان دادن است. برخورد با ژاپن و آلمان پس از جنگ جهانی دوم ساده بود زیرا هر دو به‌طور کامل شکست خوردند. مذاکرات صلح پاریس بسیار پیچیده‌تر بود. اما نتیجه اجتناب‌ناپذیر بود: هر طرف به دلایل سیاست داخلی برای حفظ اعتبار ملی خود مانور می‌دادند. موضع ایالات متحده این بود که اگر به یک توافق معقول دست پیدا نکنند، آماده ادامه جنگ است. موضع ویت‌کنگ‌ها نیز همین بود. تفاوت این بود که ویت‌کنگ‌ها خیلی بیشتر از واشنگتن به نتیجه علاقه داشتند. آنها برای پیروزی ملت خود جنگیده بودند. ایالات متحده برای ارائه نمایشی از اراده و قدرت ملی جنگیده بود. با این حال، هر طرف از طرف دیگر خسته و محتاط بود. بنابراین نتیجه اجتناب‌ناپذیر مذاکرات نه بر نتایج، بلکه بر ظواهر استوار بود: غرور و جایگاه بین‌المللی. در درگیری اروپای شرقی، منافع استراتژیک روسیه در خطر است؛ یعنی جلوگیری از اینکه یک قدرت بالقوه متخاصم نیروهای خود را در فاصله ۱۳۶ مایلی (۲۱۹ کیلومتری) از مرز روسیه قرار دهد. بنابراین روسیه باید نشان می‌داد که ارتش‌اش نیرویی است که باید روی آن حساب کرد. اما اوکراین همه چیزش در معرض خطر است. این جنگ برای اوکراین یک مسئله وجودی است. این کشور فقط زمانی متحدانی داشت که آنها از پیروزی روسیه و آنچه ممکن بود در پی آن بیاید، می‌ترسیدند. در زمان ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، ایالات متحده سعی کرد خود را صرفاً به عنوان واسطه بین روسیه و اوکراین در مذاکره برای پایان جنگ قرار دهد. این طرح برای متقاعد کردن روسیه طراحی شده بود که تا زمانی که از پیروزی به سمت مرز لهستان خودداری کند، ایالات متحده، متحد ثابت قدم اوکراین نخواهد بود. روسیه همچنان متقاعد نشده بود، اما این روند به مسکو این امکان را داد که با موافقت با مذاکره برای پایان جنگ، ضمن به تأخیر انداختن آتش‌بس و ادامه جنگ، ایالات متحده را آزمایش کند. اگر واشنگتن فقط یک میانجی باشد، پس مستقیماً با ادامه عملیات تهدید نخواهد شد. بنابراین، ایالات متحده با اعلام این که پیا روس‌ها باید مذاکرات جدی را ظرف چند روز از سر بگیرند یا واشنگتن خود را به عنوان میانجی فرضی کنار خواهد کشید، واکنش نشان داد. اما ناگفته واضح است که ایالات متحده اکنون به طور فعال‌تری از ناتو حمایت می‌کند که در حال انجام رزمایش‌های قابل توجهی در شرق است. گزارش‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه نیروهای آمریکایی در حال آماده شدن برای استقرار هستند، البته این گزارش‌ها تأیید نشده‌اند و حتی اگر درست باشند، لزوماً به معنای استقرار نیروها نخواهد بود. حتی اگر این گزارش‌ها عمداً توسط دولت افشا شده باشند، هدف آنها ارباب‌روس‌ها است. روسیه ممکن است از این واقعیت که عملکرد اولیه‌اش در جنگ ناموفق بوده، مرعوب شده باشد. اما مسئله بزرگتر این است که اگرچه روسیه ستاد کل خود را متحول کرده و نظامیان‌ش را تقویت کرده، اما فرماندهی استراتژیک آن در نهایت مسئول شکست‌های ارتش بوده است، بنابراین هیچ تضمینی وجود ندارد که یک حمله مجدد بهتر از حملات قبلی عمل کند اما ترامپ یک مزیت دارد: شهرت به غیرقابل پیش‌بینی بودن افراطی. اگر ولادیمیر پوتین از مذاکرات برای وقت‌کشی، یا حتی تمایل خود را برای اختصاص نیروهای بیشتر به یک حمله جدید نشان دهد، نخواهد دانست که ترامپ چه خواهد کرد. یا حداقل انتظار دارد که ترامپ یک واکنش ناخوشایند نشان دهد. واقعیت عینی این است که نیروهای روسیه هنوز بسیار ضعیف‌تر از نیروهای آمریکا هستند و با توجه به حضور ناتو، اروپا نیز ممکن است مجبور به مداخله شود. غیرقابل پیش‌بینی بودن ترامپ خطرات بیشتری نسبت به قطعیت‌ها ایجاد می‌کند. اما هرچه پوتین مذاکرات را بیشتر به تعویق بیندازد، غرب در مورد نیاز او ناامطم‌تر خواهد شد و احتمال بیشتری وجود دارد که متقاعد شود که حمله دیگری از سوی روسیه در راه است.



آرمین منتظری

دبیر گروه دیپلماسی و بین‌الملل

سلسله‌اقدامات تلافی‌جویانه دیپلماتیک و اقتصادی هند و پاکستان علیه یکدیگر پس از وقوع یک حمله مرگبار در هند توسط شبه‌نظامیان، خطر واکنش‌های شدیدتر مانند حملات هوایی یا عملیات نیروهای ویژه را افزایش داده است. ضمن اینکه به دلیل شدت یافتن احساسات ملی‌گرایانه در هر دو کشور، ناآرامی‌های داخلی نیز ممکن است تشدید شود. در روزهای ۲۳ و ۲۴ آوریل، هند و پاکستان پس از یک حمله مرگبار توسط شبه‌نظامیان در کشمیر تحت کنترل هند که منجر به کشته شدن ۲۶ غیرنظامی و زخمی شدن ۱۷ نفر دیگر شد، مجموعه‌ای از اقدامات تلافی‌جویانه گسترده را برای کاهش روابط دوجانبه اعلام کردند. این حمله که در ۲۲ آوریل در مراتع بیاساران در نزدیکی شهر توریستی و محبوب پاهالگام رخ داد، یکی از مرگبارترین حملات به غیرنظامیان در هند از زمان حملات بمبئی در سال ۲۰۰۸ است. ویکرام مصری، معاون وزیر امور خارجه هند، در روز ۲۳ آوریل در یک کنفرانس خبری اعلام کرد که در جلسه ویژه کابینه امنیتی هند، ارتباط پاکستان با این حمله تأیید شده است. دولت هند در واکنش به این رخداد چند اقدام را صورت داد. نخست اینکه معاهده مهم در زمینه حقایق رودخانه سند با پاکستان را تعلیق کرد. دوم اینکه مستشاران دفاعی پاکستان در دهلی‌نورا عنصر نامطلوب اعلام و دستور خروج آنها را صادر کرد. و سوم اینکه اعلام کرد قصد دارد تعداد کارکنان دیپلماتیک خود را در اسلام‌آباد از ۵۵ نفر به ۳۰ نفر کاهش دهد. هند همچنین گذرگاه مرزی آتاری-واگا-تنها گذرگاه زمینی فعال بین هند و پاکستان-را بسته و صدور ویزای ویژه برای اتباع پاکستانی را متوقف کرده است. علاوه بر این، دهلی‌نوبه اتباع پاکستانی دستور داد که تا ۲۷ آوریل هند را ترک کنند. دولت پاکستان نیز در واکنش به این اقدامات هند در روز ۲۴ آوریل اعلام کرد که با بستن حریم هوایی خود به روی شرکت‌های هواپیمایی هندی، توقف تمام تجارت با هند، از جمله کالاهایی که از طریق کشورهای ثالث به پاکستان می‌روند و لغو ویزا برای اتباع هندی (به جز زائران سیک) تلافی خواهد کرد. اسلام‌آباد همچنین تهدید کرد که از توافق نامه‌های دوجانبه، از جمله توافق نامه سیملادر سال ۱۹۷۲، که اصول کلیدی مدیریت روابط و حفظ خط آتش‌بس در کشمیر را مشخص می‌کند، خارج خواهد شد.

▼ چه کسی پشت حمله تروریستی در کشمیر بود؟

گروهی به نام جبهه مقاومت، که سرویس‌های امنیتی هند آن را به ارتباط با پاکستان متهم می‌کنند، مسئولیت حمله ۲۲ آوریل در کشمیر را بر عهده گرفت. منابع امنیتی هند مدت‌هاست که این گروه را به لشکر طیبه، که یک گروه اسلام‌گرای مرتبط با سرویس‌های اطلاعاتی پاکستان است متهم می‌کنند. لشکر طیبه دهه‌هاست عملیات‌های شبه‌نظامی در کشمیر تحت کنترل هند انجام می‌دهد. ویکرام مصری، معاون وزیر امور خارجه هند، اعلام کرد که پیمان آبی سند مربوط به سال ۱۹۶۰ را فوراً به حالت تعلیق در خواهد آورد و تا زمانی که پاکستان اقدامی معتبر و برگشت‌ناپذیر برای پایان دادن به حمایت خود از تروریسم فرامیزی انجام ندهد، وضعیت به همین حالت باقی خواهد ماند. در پاسخ، دولت پاکستان در ۲۴ آوریل هشدار داد که هرگونه اختلال در تأمین آب پاکستان را به عنوان «یک اقدام جنگی» تلقی خواهد کرد و متعهد شد که «با تمام قوا در طیف کاملی از قدرت ملی» تلافی خواهد کرد. اسحاق دار، وزیر امور خارجه و معاون نخست‌وزیر پاکستان، در یک مصاحبه تلویزیونی در ۲۳ آوریل، اقدامات هند پس از حمله کشمیر را «ناپخته و عجولانه» خواند و گفت که دهلی‌نوبه هیچ مدرکی مبنی بر ارتباط پاکستان با این حادثه مرگبار ارائه نکرده است. در گذشته نیز هند پاکستان را به دخالت در عملیات‌های تروریستی در خاک هند متهم کرده بود. برای مثال حملات نوامبر ۲۰۰۸ بمبئی، مجموعه‌ای از حملات تروریستی هماهنگ بود که توسط شبه‌نظامیان لشکر طیبه مستقر در پاکستان انجام شد و بیش از ۱۶۰ نفر در این حملات کشته شدند. این حمله یکی از مرگبارترین حملات در هند را رقم زد.

▼ وضعیت کشمیر چگونه است؟

امنیت در جامو و کشمیر از زمان لغو وضعیت ویژه این منطقه توسط هند در سال ۲۰۱۹ و سرکوب‌های ناشی از آن بهبود یافته

تحلیل هم‌میهن

گروهی به نام جبهه مقاومت، که سرویس‌های امنیتی هند آن را به ارتباط با پاکستان متهم می‌کنند، مسئولیت حمله ۲۲ آوریل در کشمیر را بر عهده گرفت. منابع امنیتی هند مدت‌هاست که این گروه را به لشکر طیبه، که یک گروه اسلام‌گرای مرتبط با سرویس‌های اطلاعاتی پاکستان است متهم می‌کنند. لشکر طیبه دهه‌هاست عملیات‌های شبه‌نظامی در کشمیر تحت کنترل هند انجام می‌دهد. ویکرام مصری، معاون وزیر امور خارجه هند، اعلام کرد که پیمان آبی سند مربوط به سال ۱۹۶۰ را فوراً به حالت تعلیق در خواهد آورد و تا زمانی که پاکستان اقدامی معتبر و برگشت‌ناپذیر برای پایان دادن به حمایت خود از تروریسم فرامیزی انجام ندهد، وضعیت به همین حالت باقی خواهد ماند

است، اما درگیری‌های پراکنده ادامه داشته است. در فوریه سال ۲۰۱۹، گروه شبه‌نظامی مستقر در پاکستان به نام جیش محمد، ۴۰ نفر از پرسنل امنیتی هند را در منطقه پولواما کشمیر کشتند. این حمله باعث وخامت شدید روابط بین هند و پاکستان، از جمله تبادل حملات هوایی و درگیری‌های مرزی بین دو کشور در هفته‌های بعد شد. بعدها در همان سال، هند وضعیت ویژه خودمختاری کشمیر را لغو کرد. این اقدام تمرکز و تأمین منابع بیشتر عملیات ضدتروریسم هند در کشمیر را تسهیل کرد. در سال‌های بعد، امنیت در جامو و کشمیر بهبود یافت، زیرانبروهای امنیتی هند حضور بسیار سنگینی در این مناطق داشتند. با این حال، برخی از بخش‌های این منطقه شاهد درگیری‌های ادامه‌دار و حملات پراکنده و کوچک‌تر بودند. در این درگیری‌ها، معمولاً افراد غیربومی و اقلیت هندوهای کشمیری هدف قرار می‌گرفتند. بنابراین این مسئله به یکی از نگرانی‌های امنیتی اصلی هند در این منطقه تبدیل شده است. جبهه مقاومت در خط مقدم این حملات بوده و از زمان تصمیم جنجالی هند در سال ۲۰۱۹، مسئولیت چندین مورد از حملات را بر عهده گرفته است. حملات قبلی که جبهه مقاومت مسئولیت آنها را بر عهده گرفته، باعث مهاجرت گسترده افراد غیربومی و شیوع ترس از درگیری در منطقه شده است. ماده ۳۷۰ قانون اساسی هند پیش از این به جامو و کشمیر، تحت مدیریت هند، وضعیت ویژه اعطا می‌کرد و به این سرزمین اجازه می‌داد قانون اساسی و خودمختاری قابل توجهی داشته باشد. با این حال، در آگوست سال ۲۰۱۹، دولت هند این ماده را لغو کرد و این منطقه را به عنوان یک قلمرو فدرال طبقه‌بندی کرد و آن را تحت مدیریت مستقیم دهلی‌نو قرار داد و نیمه شرقی را برای ایجاد قلمرو جداگانه لداخ (منطقه‌ای در شمالی‌ترین نقطه هند در مجاورت پاکستان) تجزیه کرد. این اقدام بخشی از تلاش گسترده حزب حاکم بهاراتیا جاناتا برای

در يك قدمه

چطور تنش اخير میان هند و پاکستان مه

ادغام کامل تر جامو و کشمیر با بقیه هند بود. از زمان جدایی هند از بریتانیا در سال ۱۹۴۷، هند و پاکستان هر دو ادعای مالکیت کشمیر را داشته‌اند و همین مناقشه منجر به سه جنگ و درگیری‌های مرزی مداوم شده است. شورشیان مسلح در این منطقه، که توسط بسیاری از کشمیری‌های مسلمان حمایت می‌شوند، مدت‌هاست که در برابر حکومت هند مقاومت می‌کنند و به دنبال ادغام با پاکستان یا استقلال هستند. هند پاکستان را به دامن زدن به خشونت در کشمیر متهم می‌کند اما اسلام‌آباد این اتهام را رد می‌کند و ادعا می‌کند که فعالیت جنبش‌های جدایی‌طلب را مبارزهای مشروع برای آزادی به حساب می‌آورد. اگرچه مشخص نیست که آیا سرویس‌های امنیتی پاکستان در حمله اخیر در کشمیر دست داشته‌اند یا خیر، اما سابقه مستندی از حمایت سرویس‌های اطلاعاتی امنیتی پاکستان از شبه‌نظامیان مستقر در جامو و کشمیر وجود دارد.

▼ تبعات لغو معاهده تقسیم آب رود سند

توقف معاهده تقسیم آب رود سند، نشان دهنده یک عقب‌گرد بزرگ در روابط هند و پاکستان است. هر چند بعید است که توقف این معاهده فوراً جریان آب به پاکستان را مختل کند، اما در صورت ایجاد وقفه مداوم در جریان آب رودخانه سند، منابع آب و ثبات کشاورزی پاکستان به شدت تهدید خواهد شد. تعلیق معاهده تقسیم آب سبب، نشان دهنده یک گسست بی‌سابقه در یکی از معدود حوزه‌های همکاری دیرینه بین هند و پاکستان است. این معاهده از زمان امضای آن در سال ۱۹۶۰، جنگ‌های متعدد و دوره‌هایی از تنش شدید را پشت سر گذاشته اما همچنان پایدار بوده و به‌عنوان نمونه‌ای نادر از همکاری پایدار در زمینه آب‌های فرامرزی در جنوب آسیا شناخته می‌شود. تعلیق ناگهانی آن نه تنها یک عقب‌گرد دیپلماتیک است، بلکه تهدیدی برای وخامت طولانی مدت در روابط دوجانبه دو کشور نیز

